



جایگاه ترجمه الخواص در میان تفاسیر قرآن کریم

• دکتر منصور پهلوان

دانشکده الهیات دانشگاه تهران، گروه قرآن و حدیث

تمامیت و وحدت ایران زمین در این دوره محقق شده است و ثانیاً با وجود آنکه سلاطین صفوی ترک زبان بودند، اما زبان فارسی را زبان رسمی و فراگیر ایران ساختند و ثالثاً مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی مملکت به رسمیت شناختند.

در پرتو سیاست فرهنگی صفویان، بسیاری از آثار مذهب شیعه به زبان فارسی برگردان شد و تألیفات بی شماری در دفاع از مذهب شیعه و ائمه اهل بیت علیهم السلام به نگارش درآمد و انقلاب فرهنگی گسترده‌ای به وقوع پیوست. اندکی پیش از زواره‌ای، تفسیر مواهب علیه به قلم مولی حسین کاشفی سبزواری به زبان فارسی و به نام امیرعلی شیرنویسی نوشته شده بود. این تفسیر که بر مذاق اهل تسنن نگارش یافته بود، نتوانست جایگاه بلندی در عصر جدید برای خود بیابد، اما خود الگویی برای مفسر زواره‌ای شد و تفسیر ترجمه الخواص را که به معنای ترجمه شیعیان از قرآن کریم است در ۹۴۶ هجری نگاشت. آنچه در زیر می‌آید ویژگی‌های این تفسیر گرانقدر است که در آینده نزدیک چاپ حروفی آن توسط انتشارات دانشگاه تهران در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

ایجاز تفسیر

تفسیر ترجمه الخواص تفسیری مختصر و مفید و موجز است. در ذیل هر آیه ترجمه دقیق و شیوای آن آمده و بعد از آن هر جا لازم بوده توضیح داده شده است. این توضیحات گرچه در بعضی موارد اندک نیست، اما مؤلف هیچ‌گاه از موضوع اصلی آیه تجاوز نکرده و در جرگه مباحث حاشیه‌ای وارد نشده است.

لیکن در تفسیر سوره حمد طرحی دیگر افکنده و مباحث را به دلیل آنکه سوره حمد ام‌الکتاب است با شرح و بسط کامل در ذیل دو مطلب بیان کرده است. مطلب اول شامل تفسیر بسم‌الله الرحمن الرحیم و مطلب دوم در تفسیر بقیه سوره.

زواره‌ای در مقدمه تفسیر خود بر این مطلب اشاره کرده و می‌نویسد:



یکی از تفاسیر ارزشمند قرآن کریم که در نیمه قرن دهم هجری و به زبان فارسی نگارش یافته تفسیر ترجمه الخواص تألیف ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای است. این تفسیر با وجود آنکه پس از تفسیر ابوالفتوح رازی، مهم‌ترین تفسیر فارسی و شیعی قرآن کریم شمرده شده، متأسفانه تاکنون به زیور طبع آراسته نگردیده است.

مؤلف این تفسیر از شاگردان محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) و از استادان مولی فتح‌الله کاشانی (متوفی ۹۸۸) و معاصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی بوده است. عصر صفویه به لحاظ سیاسی و فرهنگی در تاریخ ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا اولاً

آن برآکل آسان گرداند، لاجرم به کمال قدرت لحنین را بر مثال دوسنگ آسیا برزبر یکدیگر منطبق گردانید، و اسنان اعلی و اسفل را به سوهان حکمت محذد و تیز ساخته، انیاب را به کسر و رباعیات را به قطع و اضراس را به طحن بازداشت، و مفصل لحنین را متخلخل گردانیده، فکک اسفل را در تحت فکک اعلی - برعکس طاحونات - در دور آورده تا کمال قدرت وی بدانی، آنگاه زبان را در دهان به تحریک طعام دلالت فرمود، تا از این جانب به آن جانب می برد، و از میان به کران می فرستد، و درشت را نرم می سازد، و ادراک طعم آن می نماید، از اصول اسنان و چشمه های زیر زبان شربت خوشگوار آب دهان را به آن ممزوج می گرداند تا بواسطه آن رطوبت، از حنجره انسانی به آسانی فرو می رود...»^۵

جنبه شیعی

تفسیر ترجمه الخواص یکی از تفاسیر ممتاز شیعی است و ظاهراً پس از تفاسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر گازر، معروف ترین و مهم ترین تفسیر شیعی به زبان فارسی به شمار می رود.

در میان تفاسیر قرآن کریم تفاسیر شیعی از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار است، زیرا این تفاسیر نوعاً متکی و مستند به احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین - علیهم السلام - اند که اهل البیت اند و وحی در خانه ایشان فرو فرستاده شده است و تنها آنان به مراد و مقصود و بطن و تأویل آیات کلام الهی آگاه اند.

خدواند کریم و وظیفه تبیین آیاتش را بر عهده پیامبر خویش قرار داده است. ^۶ او نیز که مدینه علم است امیر المؤمنین علی - علیه السلام - را باب آن مدینه قرار داده و مردم را توصیه فرمود که از خرمن معارف او خوشه چینی نمایند.

علی - علیه السلام - درباره آشنایی خود با قرآن کریم می فرماید: ما نزلت آیه الا وانا عالم متی نزلت و فیمن نزلت و لوسألتونی عما بین اللوحین لحدثتکم^۷: هیچ آیه ای نازل نشد مگر آنکه من می دانم کجا نازل شده و درباره چه کسی فرود آمده و اگر از من درباره تمامی آیات قرآن پرسش نمایید البته شما را از تفسیر آن مطلع خواهم کرد.

حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - پس از آنکه به قتاده بن دعامه فقیه اهل بصره تفهیم نمودند که وی نمی تواند قرآن را تفسیر کند، فرمودند انما يعرف القرآن من خوطب به. ^۸ یعنی حقیقت قرآن را کسی می فهمد که مورد خطاب آن قرار گرفته و وحی بر او نازل شده باشد. همچنین امام صادق - علیه السلام - در خطاب خود با ابو حنیفه که خود را فقیه می دانست و برای پیروانش فتوا می داد، فرمودند: ملاک تو در فتوا چیست؟ گفت: کتاب خدا و سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله - حضرت فرمودند: تعرف کتاب الله حق معرفته و تعرف الناسخ من المنسوخ؟ فقال: نعم. فقال - علیه السلام - : یا ابا حنیفه، لقد ادعیت

«و از برای سهولت طالبان طریق اطناب را گذاشته، مگر در سوره رفیعه فاتحه فاتحه که اصل همه کتب و ام القرآن است و صحت صلات که افضل اعمال بدنیّه است منوط بر آنست و امور عجیبه و علوم غریبه درو مندرج، به مرتبه ای که مرغ ایجاز را درو مجال پرواز هست، پس لاجرم طناب را کشیده داشتن در آن اقرب و اولی است و در باقیات، به جهت ضبط و استحضار، ایجاز و اختصار انسب و احری و الله الموفق و المولی»^۱.

جنبه ادبی

تفسیر ترجمه الخواص به لحاظ ادب فارسی نیز حائز اهمیت است، زیرا این کتاب نمونه خوبی از نثر قرن دهم پارسی است و در کتب تاریخ ادبیات بدین مناسبت از آن نام برده می شود.^۲

اصولاً تفاسیر فارسی به دلیل در برداشتن لغات و اصطلاحات و ترکیبات قرآنی، در بین کتب ادبی جایگاهی والا دارد. سعید نفیسی می نویسد: «طبع و نشر تفسیرهای فارسی مخصوصاً آنها که از زمان های قدیم مانده است، گذشته از اجر معنوی، فواید ادبی و لغوی گوناگون را به ما می رساند، زیرا در این کتاب ها از موضوع هایی بحث کرده اند که در کتاب های رایج تاریخ و ادبیات و غیره اثری از آنها نیست و ناچار عده کثیری لغات و اصطلاحات و تعبیرات و تلفیقاتی از زبان فارسی به کار برده اند که در جمع آوری و تدوین فرهنگ این زبان بیش از آنچه تصور برود اهمیت دارد.^۳ درباره زواره ای و ترجمه الخواص می گویند: «این مرد یکی از نویسندگان بزرگ و نامی عهد صفویه است که با وجود ساده نویسی و روانی خالی از استحکام و قدرت نیست. مهم ترین آثار او تفسیر بزرگی است به زبان فارسی معروف به تفسیر الزواری یا ترجمه الخواص و این تفسیر بعد از تفاسیر معروف فارسی از قبیل تفسیر طبری مترجم و تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر سید معروف به گازر و جواهر التفسیر مولی حسین کاشفی، نامزد و مشهور می باشد.»^۴ نثر زواره ای، نثری مستحکم و متین است، و در بعضی از مواضع تفسیرش چنان اوج می گیرد که نثر مترسلان و ادیبان طراز اول ادب پارسی را به یاد می آورد. گرچه شاهد بسیار است ولی برای نمونه جملات زیبای وی را که درباره شگفتی های خلقت انسان، در ذیل تفسیر «رب العالمین» به رشته تحریر در آورده است نقل می کنیم:

«... و در طبع، قوه اشتهای نهاد و آلت اخذ از دست و اصابع خمسه و مفاصل و اظفار پدید آورد و بر اخذ، اقتدارش کرامت فرمود، آنگاه از برای ادخال طعام، حقه لعل بدخشانی دهان را حکاک قدرتش به پیرایه صنعت بشکافت، و ذرر غرر اسنان را در وی ودیعت نهاد، و درین چشمه یاقوت رمانی، مهندس حکمت ربانی - جل و علا - که در گلستان روی بنیاد نهاده بود، آب حیوانی از چشمه سلسبیل جنانی جاری گردانید، آنگاه درین کارخانه، طاحونه ای می بایست تا آن غذا را نرم ساخته ابتلاع



جنبه عرفانی

اواخر قرن نهم هجری، هرات کانون ادب و عرفان بود. این فعالیت علمی و فرهنگی در سایه اندیشه‌های شاه شیعه مذهب، سلطان حسین بایقرا و تلاش‌های وزیر معارف پرورش امیر علیشیر نوائی صورت می‌پذیرفت. امیر علیشیر (۸۴۴ - ۹۰۶) از کودکی با سلطان حسین بایقرا هم درس و هم مکتب بود و پس از جلوس وی به سلطنت به وزارت او رسید. این امیر و وزیر هر دو ادیب و عارف بودند و به عرفا ارج می‌نهادند. جامی که وی را خاتم الشعرا و العرفا می‌نامند از خاصان امیر علیشیر نوائی بود.^{۱۱}

مولی حسین کاشفی، به اغراضی چند، از سبزواری به هرات مهاجرت کرد و به قول قاضی نورالله در مجالس المؤمنین: «حسین کاشفی سبزواری جهت نظم بعضی از مصالح دنیا داری به دار السلطنه هرات رفت و مدتی به عذاب صحبت امیر علیشیر مشهور گرفتار گردید و به دام هم‌دامادی ملأ جامی پایبند شد.»^{۱۲}

کاشفی از کتب متعددی که در کتابخانه امیر مزبور بود مانند حقایق ابو عبدالرحمان سلمی و بحر الحقایق نجم دایه و لطائف الاشارات قشیری و قوت القلوب ابوطالب مکی و بسیاری کتاب‌های دیگر، بهره گرفت و تفسیر عرفانی خود را نوشت.

زواره‌ای نیز دربار سلطان حسین بایقرا را درک کرد. صاحب ریاض العلماء از حضور زواره‌ای پیش از روی کار آمدن ازبکان در هرات خبر می‌دهد.^{۱۳} وی طبعاً کاشفی را درک کرده و تحت تأثیر ذوق ادبی و عرفانی وی قرار گرفته است. به علاوه، زواره‌ای بسیاری از منقولات عرفانی موهب علیّه را در تفسیر خود نقل کرده و به آنها معتقد بوده است. همچنین نباید از خاطر دور داشت که حکومت صفوی در آغاز حکومتی شیعی با گرایش‌های صوفیانه بود.^{۱۴}

مجموعه این مسائل، تمایل زواره‌ای را به صوفیه و عرفا مدلل می‌سازد. میرزا عبدالله افندی درباره‌ی وی می‌نویسد: هو من اجلة تلامذة الشيخ علی بن عبدالعالی الکرکی، الا انه یمیل فی تصانیفه الی التصوف:^{۱۵} یعنی زواره‌ای از بزرگ‌ترین شاگردان محقق کرکی است و نقصی متوجه او نیست جز آنکه در تصانیفش به تصوف تمایل نشان می‌دهد.

مرحوم استاد شعرانی، ضمن شرح احوال زواره‌ای در مقام دفاع از وی می‌نویسد: «در آن عهد تصوف در شیعه عیب نبود، چنان که امروز هم در اهل سنت عیب نیست، چون متصوفه اهل دین و تقوا و متشرع بودند و غالباً خود از فقها و محدثین، مانند قاضی نورالله تستری و فرق آنها با غیر متصوفه توجه به معنی و تهذیب نفس و تحصیل مکارم اخلاق بود، نه بدعت و انکار شرع.»^{۱۶}

داوری در این باب را به بخش نقدی بر کتاب وامی‌گذاریم.^{۱۷}

علما، و یلک ما جعل الله ذلك الا عند اهل الكتاب الذی انزله علیهم، و یلک و ما هو الا عند الخاص من ذریة نبینا - صلی الله علیه و آله - و ما اراک تعرف من کتابه حرفاً: آیا کتاب خدا را آنچنان که باید می‌شناسی و آیات ناسخ آن را از منسوخ تشخیص می‌دهی؟ ابوحنیفه گفت: بلی. حضرت صادق - علیه السلام - فرمودند: وای بر تو ای ابوحنیفه، مدعی علمی شدی که خداوند متعال آن را جز برای اهل قرآن که آیاتش را برایشان نازل کرده است، برای هیچکس قرار نداده است. وای بر تو، آن علم نزد افرادی جز خاصان از ذریه پیامبر، نزدکس دیگری نیست و من توانایی شناسایی یک حرف از کلام حق تعالی را در تو نمی‌بینم. آنگاه حضرت صادق - علیه السلام - تفسیر دو آیه شریفه سیر و فیها لیالی و ایاماً آمین و من دخله کان آمناً را از او پرسش می‌فرمایند و او جوابی بر مبنای دانش محدود خود بیان می‌دارد و وقتی که حضرت صادق - علیه السلام - تفسیر حقیقی آن دو آیه را بیان می‌نمایند، ابوحنیفه ساکت می‌شود.^{۱۸}

در تفسیر مجمع البیان آمده: عن النبی - صلی الله علیه و آله و سلم - و عن الائمة القائمین مقامه - علیهم السلام - : ان تفسیر القرآن لا یجوز الا بالاثر الصحیح و النص الصریح. : از پیامبر اکرم و ائمه معصومین - علیهم السلام - که قائم مقام آن حضرت اند منقول است که جایز نیست بدون حدیث صحیح و نص صریح که از جانب آن ذوات مقدسه باشد کسی به تفسیر قرآن بپردازد.

به هر حال تفسیر شیعی که به اقوال و احادیث معصومین - علیهم السلام - مستند باشد از مکانت ویژه‌ای برخوردار است و تفسیر ترجمه الخواص تألیف علی بن حسن زواره‌ای در زمره این تفاسیر است. صاحب ریاض العلماء درباره تفسیر ترجمه الخواص می‌نویسد: قد ادرج فیہ الاخبار المعصومیة.^{۱۹}

زواره‌ای خود در مقدمه ترجمه الخواص ضمن بیان نقایص تفاسیر اهل تسنن، از مزیت تفسیر خویش که متکی و مستند بودن به اقوال و احادیث ائمه معصومین - علیهم السلام - است، یاد کرده و می‌نویسد: «لهذا بنده حقیر قلیل البضاعة، علی بن حسن الزواری - احسن الله احواله و جعل بالخیر آمله - مرتکب ترجمه آن شده که اتسام یافته به «ترجمه الخواص» بر وجهی که آنچه از آن در شأن امیر المؤمنین و آل سید المرسلین - صلوات الله علیهم اجمعین - باشد، بر اقوال محققان اهل تفسیر - روح الله ارواحهم - اظهار نماید، و هر چه از مناقب ایشان از منطوق آن مفهوم گردد، ایما به آن بکند. و از احکام آنچه از اقوال در برابر ایشان بود و آن نیز که مطابق طریقه حقیقه ایشان باشد، مبین گرداند.»^{۲۰}

در پایان تفسیر می‌نویسد: «تمام شد کتاب ترجمه الخواص که به کلک اخلاص بر طریقه حقیقه اهل البیت - علیهم السلام - رقم اختصاص یافت.»^{۲۱}



گلچین تفاسیر

زواره‌ای تفسیر ترجمه الخواص را از تفاسیر متعدد پیشینیان خود گلچین کرده و تألیف گرانقدر و مستندی از خود به یادگار گذاشته است. برای مثال، بسیاری از روایات مناسب تفسیر علی بن ابراهیم قمی را ذیل آیات، ترجمه و درج کرده است و بسیاری از مطالب تفسیر موهب علیه‌راکه به عقیده وی خالی از غرض ورزی بوده، عیناً در تفسیر خود آورده و در مقدمه کتاب به آن تصریح کرده است. تفسیر مجمع البیان طبرسی و کشف‌زمخشری نیز از دید وی دور نبوده و ارجاعات بسیاری به آنها دارد. در تفسیر استعاده و بسمله و فاتحه نیز که تفصیلی دارد از مفاتیح الغیب رازی استفاده کرده و در تفسیر آیات احکام از کنز‌العرفان فاضل مقداد نقل می‌کند. علاوه بر کتب تفسیر، کتاب‌های اخبار و احادیث نیز مورد توجه زواره‌ای بوده و احادیث بسیاری از آنها را نقل کرده است کتاب‌هایی مانند کافی کلینی، ثواب الاعمال و توحید و معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا و خصال صدوق، اختصاص مفید، نهج البلاغه رضی، امالی طوسی، منهاج‌الکرامه حلی، مصباح کفعمی و غیره.

به ویژه از کتاب‌های حدیثی که زواره‌ای خود ترجمه کرده، در ترجمه الخواص فراوان نقل می‌شود؛ مانند کشف الغمّة اربلی و عذّة‌الذاعی ابن‌فهد حلی و چهل حدیث شیخ شهید و غیره. به جز کتاب‌های تفسیر و حدیث، کتب عارفانی چون ابو‌عبدالرحمان سلمی و قشیری و نجم دایه و ابوطالب مکی نیز در ترجمه الخواص مورد استناد است. زواره‌ای کتاب‌های فوق و بسیاری مآخذ دیگر را در اختیار داشته و مطالب جالب و مناسب آنها را گلچین و در تفسیر خود درج نموده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بنگرید به: ترجمه الخواص، مقدمه مؤلف.
۲. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش یکم، ص ۲۵۲.
۳. سعید نفیسی به نقل از مقدمه تفسیر گازر.
۴. ملک الشعراء بهار، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۰۲.
۵. ترجمه الخواص، ذیل «الحمد، رب العالمین».
۶. النحل: ۴۴.
۷. الامالی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۷۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷؛ الاتقان، ج ۴، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.
۸. تفسیر الصافی، ج ۱، مقدمه دوم؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۴.
۹. تفسیر الصافی، ج ۱، مقدمه دوم.

۱۰. مجمع البیان، مقدمه، فن سوم.

۱۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۹۴.

۱۲. ترجمه الخواص، مقدمه مؤلف.

۱۳. ترجمه الخواص، پایان تفسیر.

۱۴. فرهنگ فارسی، ج ۵، ص ۱۲۰۴.

۱۵. مجالس المؤمنین، ذیل ترجمه کاشفی.

۱۶. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۹۴.

۱۷. بنگرید به مقدمه و تصحیح و توضیح ترجمه الخواص، ص ۲۷.

۱۸. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۹۴.

۱۹. مقدمه کشف الغمّه، ج ۱، ص ۱۴.

۲۰. بنگرید به مقدمه و تصحیح و توضیح ترجمه الخواص، ص ۱۰۶.

منابع:

قرآن کریم:

الامالی، شیخ طوسی، چاپ تهران، ۱۳۱۳ ق.

الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، تحقیق ابوالفضل ابراهیم.

التفسیر، عیاشی سمرقندی، تصحیح رسولی محلاتی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.

تفسیر گازر، حسین بن حسن جرجانی، تصحیح سیدجلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۴۰ ش.

ترجمه الخواص، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۲۷۶۵.

ترجمه الخواص، نسخه خطی متعلق به آقای علی هوشیاری احمدی کرمانی.

تاریخ ادبیات، ادوارد براون ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۱۶ ش.

ریاض العلماء، عبدالله افندی، مکتبه المرعشی، قم، ۱۴۰۱ ق.

سبک‌شناسی، ملک الشعراء بهار، تهران، ۱۳۳۷ ش.

الصافی، فیض کاشانی، اسلامیه، تهران.

فرهنگ فارسی، محمد معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

الکافی، کلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران. کشف الغمّه فی معرفه الائمة، علی بن عیسی اربلی، تصحیح رسولی محلاتی، اسلامیه ۱۳۶۴ ش.

مجالس المؤمنین، قاضی نورالله تستری، تهران، ۱۳۷۵ ق.

مجمع البیان، طبرسی، تصحیح شعرانی، اسلامیه، تهران.

مقدمه و تصحیح و توضیح تفسیر ترجمه الخواص، منصور پهلوان، دانشکده الهیات، ۱۳۷۲.

وسائل الشیعه، حر عاملی، تصحیح ربانی شیرازی، تهران.